

بحث خارج فقه صلاة الجمعة استاد محسن اراکی در تاریخ دوشنبه هفتم آبان ۸۶ جلسه ۵

که بدونهما به نظر این آقایون تصحّ الصلاة الجمعة و لا تكونوا مشروعةً بنابراین نتیجه حرمت صلاة جمعه است و بنابراین رأی بدون حضور امام یا مَنْ نصبه در روز گذشته عرض شد که کلماتی از سید مرتضی نقل کردیم که گفتیم از آن کلمات استفاده نمی شود این که سید مرتضی قائل به شرطیّت صحت صلاة جمعه یا شرعیّت صلاة جمعه یعنی اشتراط حضور امام یا مَنْ نصبه در صحت نماز جمعه یا اصل مشروعیت اش باشد لکن ابن ادریس در سرائر عبارتی از سید مرتضی در اجوبه مسائل میافارقیات؟ بیان می کند نقل می کند که این عبارت سید مرتضی ظهور در شرطیّت حضور امام اصل یا نائب خاص او در مشروعیّت صلاة الجمعة است در این ظهور دارد عبارتی که ابن ادریس نقل می کند از سید مرتضی در اجوبه مسائل میافارقیات؟ این است که صلاة الجمعة رکعتان من غیر زیادة علیهما و لا جُمُعَةً اِلَّا مع امام عادل او مَنْ ینصبه الامامُ العادل فاذا عُدِمَ صَلَّیتَ الظهْرُ اربعة رکعات ( یعنی عُدِمَ امام عادل یا مَنْ نصبه ) یعنی نماز ظهر چهار رکعتی برگزار می شود نماز جمعه برگزار نمی شود ظاهر این فرمایش این است که متعیّن است ظهر عند فقدان الامام او مَنْ نصبه ظهر متعیّن است خوب معنی تعیّن یعنی عدم جواز اقامه جُمُعَه عبارت ظهور در تعیّن ظهر دارد عند فقدان الامام او مَنْ نصبه که در نتیجه معنی اش شرطیّت حضور امام او مَنْ نصبه است در اصل جواز اقامه نماز جمعه در اصل مشروعیت نماز جمعه نه در خصوص وجوب نماز جمعه این یک استدراکی بود که از بحث گذشته خواستیم انجام بدهیم آدرس این مطلب سرائر من خود این اجوبة المسائل میافارقیات را نداشتم اما خوب از سرائر ما این مطلب را حکایت کردیم سرائر جلد یک صفحه ۳۰۴ در ادامه نقل اقوال دسته دوم به نقل قولی از شیخ درخلاف می پردازیم ما فرمایش شیخ را در مبسوط نقل

کردیم در روز گذشته و در مبسوط عبارت شیخ همچنین در جمل و عقود عبارت شیخ در آن دو کتاب ظهور در شرطیّت حضور امام اصل یا نائب او ، نائب خاص او در اصل جواز اقامه جمعه بود در اصل مشروعیت نماز جمعه و صحّت آن بود عبارت شیخ در خلاف مضطرب است ) گفتیم در نهایت شیخ تصریح به جواز دارد آن را می آوریم در طائفه سوم در آن جایی که بحث تخیر را می خواهیم مطرح کنیم حالا هنوز ادامه ی بحث است درباره اقوال مربوط به تعین صلاة ظهر یا بفرماید عدم مشروعیت نماز جمعه است عند فقد امام و من نصبه عبارت خلاف شیخ صدرش ب ذیل اش تناقض دارند یعنی ظاهراً تناقض است البته ما توضیح خواهیم داد که تناقض نیست و وجه جمع اش را بیان می کنیم لکن ظهور در تناقض دارد ظهور بدوی عبارت شیخ در خلاف چنین است ابتدا چنین می فرماید من شرط انعقاد الجمعة الامام او من يامرہ الامام بذالك من قاضٍ او اميرٍ و نحو ذالك و متى أقيمت بغير امره لم تصح خوب این جا خیلی عبارت روشن است تقریباً صریح در عدم صحّت نماز جمعه است بدون امام یا من نصبه الامام بعد می فرماید و به قال الاوزاعي؟ و ابوحنيفه و قال محمد مقصود از محمد اینجا محمد بن حسن شیبان است إن مرض الامام او سافر او مات فقدّمت الرعيّة من يصلّي به الجمعة صحّت لائّه موضع ضرورة و صلاة العيدین عندهم مثل صلاة الجمعة و قال الشافعي ليس من شرط الجمعة الامام و لا امر الامام و متى اجتمع جماعة من غير الامر الامام فاقامواها بغير اذنه جاز و به قال مالك و احمد معلوم می شود که از ائمه اربعه اهل سنت شافعی و مالک و احمد قائل به عدم شرطیّت حضور امام هستند امّا ابوحنيفه قائل به شرطیّت حضور امام ( آن ها که منظورشان از امام هر کسی که امامت مشروع در نزد خودشان ما هم امامت مشروع در نزد خودمان ) معلوم است منظور چیست از امام، امام یعنی آن کسی که سلطان مسلمین در اختیار اوست او امام است هم نزد ما امام اوست یعنی از نظر مفهومی بین ما و آن ها در رابطه با واژه

امام اختلافی نیست از نظر مصداقی بین ما و آن ها خوب اختلاف است که ما مصداق امام را دارای شرایط خاصی می دانیم که آن ها آن شرائط را شاید معتبر ندانند لازم ندانند (شهید ثانی خیلی تحت فشار نبوده خوب در آن شرائط کشته شد منتهی همیشه در تحت فشار نبوده از ابتدا فضای شامات خیلی فرق داشته با فضای عراق و ایران و این ها این جا - ظاهراً منظور استاد شامات است - فشار همیشه شدیدتر بوده در هر صورت بعد ادامه می دهد شهیدثانی می فرماید: دلیلنا أنه لاخلاف أئمتها تنعقد بالامام او بامرہ و لیس علی انعقادها اذا لم یکن اماماً و لامرہ دلیل این جا مرحوم شیخ همه دلیل اش این است تنها دلیلی که شیخ اقامه می کند برای شرطیت حضور امام یا من امرہ قدر متیقن بودن اش است می گوید چون قدر متیقن از صحت اقامه جمعه این است چون این است و مازادش اصلاً مشکوک است به تعبیر ایشان بنابراین ما اکتفا می کنیم به همین اندازه در مشروعیت حالا تا این جا عبارت صراحت دارد در چی؟ قول شیخ صراحت دارد در شرطیت حضور امام یا نائب امام در اصل مشروعیت صلاة جمعه حالا از این جا به بعد مطلب کاملاً فرق می کند فإن قيل أَلستم قد رَوَیتم فی ما مضی و فی کُتُبکم أنه یجوز لاهل القرى و السواد و المؤمنین اذ اجتمعوا العدد الذی تنعقد بهم أن یصلوا الجمعة ما این عبارت شیخ را هم قبلاً خواندیم یعنی به مناسبتی که شیخ در یک جای دیگری از خلاف در خصوص اهل السواد والقری تقریباً صراحت دارد عبارت اش در این که یجوز لهم اقامة الجمعة بغیر من نسبه الامام یا بغیر خود شخص امام حالا سائل همین اشکال را می گیرد می فرماید: أَلستم قد رَوَیتم فی ما مضی و فی کُتُبکم أنه یجوز لاهل القرى و السواد و المؤمنین اذ اجتمعوا العدد الذی تنعقد بهم الذی یصلی الجمعة این ان قیل در ضمن به دو سه مطلب اشاره دارد یکی این که اولاً معلوم می شود از ان قیل ، این ان قیل را شیخ رد نمی کند مدعایی که در ان قیل است رد نمی کند توی ان قیل آمده است که اولاً شما روایت کرده اید که اهل قری و سواد

و همچنین مؤمنین جائز است برای آن ها اقامه جمعه بدون امام و بدون من نصبه این جا نسبت می دهد به شیعه که در شما روایاتی در این رابطه وجود دارد این اولاً بعد هم فی کتبکم هم می گوید معلوم می شود که لا اقل مشهور بین فقهای شیعه در آن زمان جواز اقامه صلاة جمعه بدون امام و بدون من امره الامام بوده که یک همچین ادعایی این شخص ان قیل می کند شیخ هم ردش نمی کند خوب ان قیل ، قلنا ذالک مأذونٌ فیه مرغبٌ فیه فجرى ذالک مجرى أن ینصب الامام من یصلی بهم می فرماید اقامه جمعه در آن جایی که امام اصل یا من نصبه نیست مأذونٌ فیه است بل که بیش از مأذون فیه مرغبٌ فیه هم هست یعنی ما را تشویق کرده اند یعنی شرع ما را تشویق کرده است یعنی استحباب دارد یعنی شِقّ اولی تخیر است نه تنها تخیر بل که شِقّ اولی تخیر است خوب این عبارت با آن عبارت بالا ممکن است که کسی تصور کند با عبارت بالا تنافی دارند سازگار نیستند با هم از طرفی در بالا صریحاً می گوید که امام یا من امره الامام شرط در اصل صحّت انعقاد جمعه است در ذیل می آید که اگر امام یا من امره الامام هم نباشد صلاة جمعه مأذونٌ فیها است بل که مرغبٌ فیها است این دو با هم چگونه سازگار هستند ؟ ما عرض می کنیم که هیچ تضادّ و تنافری بین صدر و ذیل نیست بل که مقصود شیخ این مقصودی که از سایر عبارات شیخ در سایر کتب اش هم فهمیده می شود این است که اگر امام حاضر باشد یعنی در زمان حضور مع حضور الامام ، حضور خود امام یا من نصبه شرط مشروعیت نماز جمعه است و بدون الامام و من نصبه صلاة الجمعة مشروع نیست جائز نیست اقامه اش این در فرض حضور امام در فرض غیبت امام عدم دسترسی به امام حالا این عدم دسترسی چه به دلیل غیبت باشد یا به دلیل بُعد مکان باشد در قری و سواد آن جا که دسترسی به امام نیست جواز صلاة الجمعة بدون من نصبه الامام یا شخص امام ثابت است ( کسی نیست اصلاً فرض این است که نه خود امام است نه من نصبه الامام نیست یک بعد مسافتی است

امام کسی را آن جا نصب نکرده در زمان امام صادق صلوات الله علیه در زمان ائمه اطهار در زمان ائمه دیگر یک عده ای هستند خوفی هم ندارند در یک روستایی در آذربایجان به اسم قوری چای اسم روستا اسم اش قوری چای است آن جا چند نفر دور هم جمع می شوند می خواهند نماز جمعه اقامه کنند دسترسی هم به امام ندارند حضرت می فرمایند آقا تأیید کنید همچین قریه ای وجود دارد یا نه؟ آقایی که اهل آذربایجان هستند اگر - این جا - هستند؟ ما یک وقت خوزستان یک جاهایی رفتیم که عجب این ها اصلا جزائر مستقله ای از تمام دنیا هستند نمی دانستیم در خوزستان یک همچین جاهایی هست جاهای عجیب و غریب کشور پهناوری است و هنوز خیلی از جاهاش کشف نشده اگر این آقای احمدی نژاد خیلی جاهای رفت ما اسم اش را نمی شنیدیم بهر حال در زمان حضور امام هم این معنی متصور است یعنی این که یک عده ای باشند به توانند اقامه جمعه کنند دسترسی به امام نداشته باشند غیبت، غیبت مکانی است شیخ نظرش این است که آن جایی که دسترسی به امام هست شرطیّت حضور امام یا من نصبه وجود دارد و بدون آن ها اقامه جمعه مشروع نیست آن جا که دسترسی نیست جواز اقامه جمعه بدون امام یا من نصبه الامام ثابت است و این نتیجه اش چیست؟ همان قول به تأخیر می شود چون کسانی که قائل به تأخیر اند قائل به تأخیر در زمان غیبت هستند عرض شد که از ابتدای بحث ما عرض کردیم که در زمان حضور شرطیّت حضور امام یا من نصبه در صحّت نماز جمعه و عدم انعقادش متّفق علیه است بین فقهای شیعه است جای بحث ندارد اصل بحث ما در زمان غیبت است یعنی اصل بحث ما در آن جاست که دسترسی به امام نباشد بنابراین این عبارت شیخ در خلاف این چنین فرموده با عبارتی که در نهایت می فرماید و نقل خواهیم کرد یک مطلب را می رساند از این مطلب استفاده می کنیم که عبارت مبسوط یا جمل و العقودش هم همین را می خواهد به گوید در عبارت مبسوط متعرّض دوران غیبت نشده

اصل مطلب را بیان کرده ، اصل مطلب این است که صلاة الجمعة لا تصح بدون امام یا من نصبه اصل مطلب را نقل کرده نه جزئیات مطلب که حالا اگر دسترسی به امام نبود اگر امام غایب بود ، ( نهی که ما نداریم هیچ نهی و دلیل نداریم ) از این جا شروع شده مسأله اجماع بر عدم مشروعیت یعنی شیخ طوسی ما رضوان الله تعالی علیه حتی سید مرتضی این جا ما می فهمیم که حتی سید مرتضی هم در عبائرش ؟ وقتی مسأله شرطیت را نقل می کند این ها نظر به چی دارند ؟ نظر به اصل حکم دارند اصل حکم شرطیت حضور امام یا من نصبه است در شرعیت و جواز نماز جمعه اصل مطلب این است اصل حضور است عدم حضور فرع است ما ای ن در یک حالت واقعا زمان غیبت خوب زمان فتره خلاف اصل است خلاف قاعده است قاعده این است که امام حضور داشته باشد ( بهر حال ظهر جمعه باید یک نماز خوانده شود یا باید ظهر باشد یا نماز جمعه اگر در روایت باشد که در قری در سواد در جاهای دور از دسترس از امام سؤال کنند چکار کنیم امام اگر در آن جاها به گوید خوب یک نفر را بیاندازید جلو نماز به خوانید نماز جمعه به خوانید این جا معلوم می شود که حضرت اذن داده است در اقامه صلاة الجمعة در مواردی که دسترسی به او نیست بلکه خوب نماز ظهر که می خواندند بهر حال نماز جمعه شرائطی دارد آن عده ای که آن شرائط در آن ها جمع نبوده نظیر مسافر نظیر شیخ نظیر شیخه مریض مُتَعَد اعمی امثال این ها که بعد خواهیم گفت این ها نماز ظهر می خواندند حتی آن کسی که شرائط در او نبوده حالا کسی معصیه عصیاناً تَمَرِّداً نماز جمعه نرفت گفت من نمی خواهم شکل این امام جمعه را ببینم همان توی خانه نماز به خوانم عصیاناً یا تَمَرِّداً نماز ظهرش رابه خواند بهر حال نمی شود نماز نه خواند بلکه زمان امام معصوم هم هست روایت که اگر کسی بهر دلیل نماز جمعه نرفت یک کسی می خواست بره دیر رسید حرف دیگری است بحث اصولی دارد که آیا امر به شیء مقتضی نهی از ضد هست اگر هست نهی موجب فساد در عبادت می شود یا نمی

شود اگر موجب فساد در عبادت می شود آیا ما به قاعده ترتب کار را درست می کنیم یا نمی کنیم این ها بحثی است حالا که قاعده‌تاً از بعد از مرحوم میرزای شیرازی که مسأله ترتب مطرح شد که همه ترتبی هستند معمولاً و می گویند بر فرضی هم که امر به شیء مقتضی نمی از ضدّ باشد بر فرضی هم که نهی موجب فساد باشد بر مبنای ترتب کار را درست می کنیم و نماز ظهر درست است نه نماز ظهر هر عبادتی هر عبادت در وقت عبادت دیگر علی‌رغم این که آن عبادت ترک شده صحیح است موجب فساد عبادت ضدّ نمی شود بنابراین از این وجه جمع ما می توانیم باز هم شیخ بل که حتی سید مرتضی را از دائره قائلین به اشتراط حضور امام یا من نوبه در صحّت اصل نماز جمعه خارج کنیم حدّاقل می توانیم ادّعا کنیم که محرز نیست که شیخ جزو قائلین به این مبناست مرحوم عماد الدّین بن حمزه در کتاب الوسیله عبارت اش این است ( آدرس عبارت خلاقی که خواندیم کتاب الخلاف جلد اول صفحه ۲۲۷ ) به نظر می رسد بقیه فقهای که بعد از شیخ آمده اند همه از شیخ گرفته اند نسجوا علی منوال الشیخ اصلاً عبارت شیخ را تکرار کرده اند خیلی از فقها گفتیم ، گفتیم که با توجه به این که در یک جا دو حرف متضاد زده خوب شیخ که نمی تواند حرف متضاد بزند پس معلوم می شود مرادش از آن حرف اول اش که گفت شرط در صحّت است منظور زمان حضور است خیلی روشن است حالا که این طور شد عبارت های دیگری که همچنین عبارتی را یعنی جاهای دیگری که شیخ همچنین عبارتی آورده همین منظورش است قاعده‌تاً خوب ابن حمزه در وسیله چنین می فرماید : تحتاجُ أی صلاة الجمعة فی الانعقاد الی اربعة شروط حضور السلطان العادل او من نصبه لذلک الی آخر کلامه سلسله ینابیع فقهیه جلد چهار صفحه ۵۹۱ مرحوم صه رشتی؟ در کتاب اصباح الشیعه عبارت شان چنین است صلاة الجمعة لاتصحّ و لا تنعقد الا بحضور السلطان العادل او من یأمره هو و اجتماع سبعة وجوباً و خمسة ندباً که این هم ظاهر در اشتراط حضور امام و نائب



خاص اش در اصل مشروعیت صلاة الجمعة است عبارت اصباح الشیعه را یک بار دیگر هم می خوانم صلاة الجمعة لا تصحُّ و لا تنعقدُ الا بحضور السلطان العادل او من یأمره هو و اجتماع سبعةٍ وجوباً و خمسةٍ ندباً یعنی اگر هفت تا شدند واجب می شود نماز جمعه متعین می شود اگر هفت تا نشدند پنج تایی بود نماز جمعه تحیری خواهد بود ( برای همه شان هنوز به بحث عدد نرسیدیم عدّه زیادی از فقها قائل هستند که خمسة شرط در صحّت انعقاد است سبعة شرط در وجوب انعقاد است یعنی تعین وجوب مرحوم ابن ادریس رضوان الله تعالی علیه عبارت شیخ را در خلاف همان عبارتی را که خواندیم متعرض می شود بعد به ذیل عبارت شیخ ایراد می گیرد می گوید همان صدر عبارت حرف درستی بود که گفتم نماز جمعه بدون امام و من نصبه صحیح نیست این ذیل اشت چیست دیگه؟ این را از کجا آوردی؟ پس ذیل بدون دلیل است حرف همان است که اول گفتم و لذا استفاده می کنیم که ابن ادریس هم خود قائل به شرطیت امام یا من نصبه است برای اصل مشروعیت نماز جمعه و قال ابن ادریس در ردّ فرمایش شیخ چنین فرمود قال : والذی یقوی عندی صحّة ما ذهبَ الیه فی مسائل خلافه و خلاف ما ذهبَ الیه فی نهایة ، نهاییه که می گوید اشاره به کتاب نهاییه شیخ است چون در نهاییه شیخ قائل به جواز اقامه نماز جمعه در عدم حضور امام او من نصبه شده می گوید ما مخالف حرف نهاییه اش هستیم با حرف خلاف شیخ موافقیم که منظور از حرف خلاف شیخ همان صدر کلام شیخ است که خواندیم للادلة التي ذكرها من اجماع اهل الاعصار و ايضاً فإنّ عندنا بلاخلافٍ بين اصحابنا أنّ من شرط انعقاد الجمعة الامام او من نصبه للصلاة این هم عبارت ابن ادریس است در سرائر که ما یادمان رفته آدرس اش را بنویسیم جلسه فردا بعد می گوییم و صل الله علی محمد و آله آدرس عبارت صه رشتی؟ همان سلسله ینابیع الفقیه جلد چهار صفحه ۶۲۶ مال اصباح الشیعه



تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیّه

<http://\zokr.com>

Copyright © \Zokr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است